

صدایی که

شنیده نشد

نگرش‌های اجتماعی-فرهنگی

و توسعه‌ی نسل و ازن در ایران

گزارشی از یافته‌های طرح آینده‌نگری

علی اسدی / مجید تهرانیان

به کوشش: عباس عبدی / محسن گودرزی



مجله مطالعات
مستقبل‌پژوهی

سرسنانه: اسدی، علی، ۱۳۱۴-۱۳۷.

عنوان و پدیدآور: صدایی که شنیده نشد: نگرش‌های اجتماعی-فرهنگی و توسعه‌ی نامتوازن

در ایران گزارشی از یافته‌های طرح آینده‌نگری / علی اسدی، مجید

تهرانیان؛ به کوشش عباس عبدی، حسن کوردری.

مشخصات نشر: تهران، نشرنی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۳۲۵ ص.

شابک: ISBN 978-964-185-490-6

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

عنوان دیگر: نگرش‌های اجتماعی-فرهنگی و توسعه‌ی نامتوازن در ایران؛ گزارشی از

یافته‌های طرح «آینده‌نگری».

موضوع: تحولات اجتماعی-ایران-آینده‌نگری، -Social change - Iran

Forecasting؛ فرهنگ-اشاعه-ایران، Culture diffusion - Iran؛

سیاست فرهنگی-ایران، Cultural policy - Iran؛ سیاست فرهنگی-

ایران-آینده‌نگری، Cultural policy - Iran - Forecasting؛

رسانه‌های گروهی-ایران-تأثیر، Mass media - Iran - Influence؛

آینده‌پژوهی-ایران، Forecasting - Study and teaching - Iran؛

شناسه افزوده: تهرانیان، مجید، ۱۳۵۷ - ؛ عبدی، عباس، ۱۳۳۵ - ، گردآورنده؛

کوردری، محسن، ۱۳۴۵ - ، گردآورنده.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ص ۵ الف/HMA۳۱

رده‌بندی دیویی: ۳۰۳/۴۴۰۹۵۵

شماره کتابخانه ملی: ۴۴۴۷۱۸۱

قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان



صدایی که شنیده نشد

نگرش‌های اجتماعی-فرهنگی و توسل نام‌آزاد ایران

گزارشی از یافته‌های طرح «آینده‌نگری»

علی اسدی / مجید تهرانیان

به کوشش عباس عبدی / محسن گودرزی

چاپ اول، تهران، ۱۳۹۵

تعداد ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی نقش

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۹۷۸ ۹۶۴ ۱۸۵ ۴۹۰ ۶

www.nashreney.com

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار در معرفی کتاب
۱۱	مقدمه: آینده پژوهی؛ صدایی که شنیده نشد
۲۳	فصل اول: رسانه‌ها؛ توسعه‌ی ملی و توسعه‌ی فرهنگی
۲۴	مقدمه
۲۵	۱. نقش رسانه‌ها در پشتیبانی توسعه‌ی ملی ایران
۲۶	الف. اثرات نمایشی
۲۶	ب. اثرات درهم‌آمیختگی
۲۶	ج. اثرات فشردگی
۲۶	د. اثرات پیشگیری
۲۶	ه. اثرات اسلوبی
۳۰	۲. نقش رسانه‌ها در پشتیبانی توسعه‌ی فرهنگی
۳۱	الف. سیاست فرهنگی عوام‌فریبانه
۳۱	ب. سیاست فرهنگی جزمی
۳۱	ج. سیاست فرهنگی «طبقاتی»
۳۲	د. سیاست فرهنگ‌گرا
۳۲	ه. سیاست پویایی اجتماعی
۳۳	و. رادیو
۳۳	ز. تلویزیون
۳۴	۳. فرهنگ نوشتاری

۳۶	۴. سینما و تئاتر
۳۷	۵. نقش فرهنگی سازمان رادیو تلویزیون و سیاست‌های مختلف فرهنگی
۳۹	۶. نقش فرهنگی سازمان رادیو تلویزیون و خرده فرهنگ‌ها
۴۱	۷. نقش فرهنگی سازمان رادیو تلویزیون در توسعه ملی
۴۲	۸. الگوهای موجود و آینده توسعه فرهنگی
۴۶	۹. تنگناهای توسعه فرهنگی و راهبردهای آن
۵۱	۱۰. بررسی کوتاهی از رسانه‌ها، مراکز و سازمان‌های مذهبی
۵۲	الف. رسانه‌های مذهبی
۵۳	ب. مراکز مذهبی
۵۵	ج. سازمان‌های مذهبی
۵۸	د. سازمان اوقاف ایران
۶۱	فصل دوم: گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران
	علی اسدی و همکاران
۶۲	یادداشت
۶۳	مقدمه
۶۳	هدف مطالعه
۶۳	مراحل تحقیق
۶۷	۱. شناخت جامعه‌ی آماری
۶۷	۱/۱. توزیع برحسب محل سکونت
۶۷	۱/۲. ترکیب جنسی و سنی جمعیت
۶۸	۱/۳. ترکیب تحصیلی
۶۹	۱/۴. ترکیب شغلی و درآمد
۷۰	۲. رسانه‌ها
۷۰	۲/۱. رادیو
۸۵	۲/۲. تلویزیون
۹۸	۲/۳. سینما
۱۱۰	۲/۴. روزنامه
۱۲۳	۲/۵. مجله
۱۳۴	۲/۶. کتاب
۱۴۳	۲/۷. منابع خبری
۱۵۰	۳. بررسی گذران اوقات فراغت در ایران

۱۵۳	۴. خرسندی از زندگی
۱۷۸	۵. آرزوها و نیازها
۲۰۴	۶. رفتارها و گرایش‌های خانوادگی
۲۰۴	۶/۱ ازدواج و همسرگزینی
۲۰۵	۶/۲ زن و مرد ایده‌آل
۲۰۶	۶/۳ ابعاد خانواده
۲۰۷	۶/۴ نقش‌ها و وظایف خانواده
۲۰۸	۶/۵ کار زن، در خارج از خانه
۲۰۸	۶/۶ الگوها و ارزش‌های زنشویی
۲۱۰	۶/۷ روابط و تفاهم خانوادگی
۲۲۷	۷. رفتارها و گرایش‌های مذهبی
۲۲۷	۷/۱ رفتارهای مذهبی
۲۲۹	۷/۲ طرز تلقی از مذهب
۲۳۰	۷/۳ مفاهیم ثواب و عبادت
۲۴۹	۸. روابط اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی
۲۴۹	۸/۱ مشارکت اجتماعی
۲۴۹	در انتخابات گذشته رأی داده‌اید؟
۲۵۰	اگر در انتخابات شرکت کرده‌اید، به کدام حزب رأی داده‌اید؟
۲۵۰	بزرگ‌ترین مشکل و کمبود شهر یا روستای شما چیست؟
۲۵۳	برای حل مشکل شهر یا روستای خود چه باید کرد؟
۲۵۳	بزرگ‌ترین مشکل کشور ما چیست؟
۲۵۴	اگر نخست‌وزیر بودید، برای حل این مشکل چه می‌کردید؟
۲۵۴	۸/۲ ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی
۲۵۶	مشکلات زندگی شما چیست؟
۲۵۸	عوامل ترقی در جامعه
۲۶۰	شرکت در انتخابات محلی و ناحیه‌ای
۲۶۱	در کدام یک از انتخابات محلی شرکت کرده‌اید؟
۲۷۸	۹. تندرستی و رفتارهای بهداشتی
۲۷۸	۹/۱ وضع تندرستی
۲۷۹	۹/۲ رفتارهای بهداشتی
۲۷۹	۹/۳ اعتقادات بهداشتی
۳۱۳	پيوست: پرسشنامه

پیش‌گفتار در معرفی کتاب

کتابی که در دست دارید، بخشی از تحقیقاتی است که در دهه‌ی ۵۰ شمسی با عنوان «طرح آینده‌نگری» انجام شد. گذشت سال‌ها و زمان زیادی از زمان انجام این تحقیقات، ارزش‌های آن را بیش از پیش آشکار کرد. این تحقیق از اوایل نظامی‌های ملی در کشور است و اطلاعات منحصر به فرد تجربی از نگرش مردم در دهه‌ی ۵۰ شمسی به دست می‌دهد، و نشان می‌دهد که چگونه در زیر پوست جامعه، جریان دینی در حال رشد بود. برای ما که در سال‌های بعد از این تحقیق، شاهد انقلاب بوده‌ایم، شاید جای شگفتی باشد که چگونه چنین علامت‌هایی دیده و صدای جامعه‌ای که در این تحقیق پژواک یافته بود، شنیده نشد. این حقیقت هم از فضل تقدم در میان پیمایش‌های اجتماعی برخوردار است و هم به خاطر تصویری که از وضعیت نگرشی آن روزگار ارائه می‌کند، دارای اهمیت است. علاوه بر آن باید به پیوند دیدگاه‌های نظری و تحقیق تجربی اشاره کنیم که «آینده‌نگری» به آن توجه جدی داشت.

تحقیق «آینده‌نگری» به همت شادروانان مجید تهرانیان و علی اسد زینب و طراحی شد و محققان شناخته‌شده‌ای همچون منوچهر محسنی، مهدی بهکیش، هرمز مهدادی و آنان را در انجام این تحقیق یاری کرده‌اند. با این حال، این تحقیق برای جامعه‌ی علمی چندان که با شناخته‌شده نیست و گزارش‌های آن به سهولت در دسترس علاقمندان قرار ندارد. حتی تا همین سال‌های اخیر، کمتر کسی در نوشته‌های خود به یافته‌ها یا عنوان این تحقیق اشاره می‌کرد. از این رو، برآن شدیم چند عنوان از مهم‌ترین گزارش‌های پژوهشی این طرح را به صورت کتاب در اختیار جامعه‌ی پژوهشی قرار دهیم.

این کتاب دو بخش اصلی دارد:

در بخش نخست، گزارشی نظرسنجی از مردم ایران در سال ۱۳۵۳ آمده است. متأسفانه اسناد این نظرسنجی از قبیل فایل داده‌های آن و یا شیوه‌ی کدگذاری پرسش‌های باز و... در دسترس نیست و

ظاهراً در جابه‌جایی‌های اداری از میان رفته است و تنها گزارش توصیفی اولیه آن در اختیار ما قرار دارد.

در بخش دوم، خلاصه‌ای از دو گزارش پژوهشی آمده که به نتایج نظرخواهی از نخبگان و بررسی آماری از محصولات و فضاهاى مذهبی پرداخته است.

در ابتدای کتاب، در مقاله‌ای به نسبت طولانی به مفاهیم، طرح مسئله و نحوه‌ی مواجهه بعضی از نخبگان آن روزگار با نتایج تحقیق پرداخته‌ایم. در آن روزگار بعضی از نخبگان با نتایج تحقیق به صورت کلی برخورد می‌کردند و آن را نه براساس معیارهای علمی بلکه بر مبنای میزان نزدیکی نتایج به تصورات ذهنی یا حتی آرزوهای خود می‌سنجیدند. روی گشوده‌ای به نتایج تحقیق نداشتند و خوش داشتند از تحقیق آن بشنوند که دوست دارند. در نتیجه، تلاش مؤثری برای فهم جامعه بر مبنای تحقیق صورت نگرفت، گزارش آن در چند نسخه در کتابخانه‌ی مؤسسه نگهداری شد و راهی به فضای عمومی نگفت‌وگویی عمومی نیافت. برخی دیگر هم که کمابیش متوجه ماجرا شدند مجالى برای طرح بحث نیافتند و به اظهارات محافظه‌کارانه در فضای محدود جلسات کفایت کردند. چنین شد که این حقبة حتى تا به امروز مهجور مانده است.

اکنون که چهار ده از زمان انجام این تحقیق می‌گذرد، در موقعیتی قرار داریم که با فاصله‌ی عاطفی به نتایج بنگریم و تفسیر عمیق‌تر از شیوه‌ی واکنش ذهنی و رفتاری جامعه به «نوسازی» ارائه کنیم. توضیح یک حادثه‌ی تاریخی را با استفاده از یافته‌های یک پژوهش، تمرینی برای شیوه‌ی خواندن پژوهش است. شاید این شبهه‌ی تفسیری در خود نکته‌های آموزنده‌ای داشته باشد که چگونه می‌توان یافته‌های یک تحقیق را تفسیر کرد و از انکار یا پذیرش کلی تحقیق پرهیز کرد و یافته‌های ناسازگار با شناخت متعارف را جدی گرفت.

انتشار این کتاب با استقبال نشرنی میسر شد. از جعفر حامی مدیر نشرنی تشکر می‌کنیم که در شرایط سختی که نشر کتاب به‌سر می‌برد، انتشار این کتاب را پذیرفت. هم‌چنین باید از عبدالعلی رضایی تشکر کنیم که متن را چندین بار با دقت خواند و نکته‌های مورد بحث را یادآور شد.

انتشار این کتاب ادای دین ما به تلاش و همت شادروانان مجید بهائی و علی اسدی است که بنیان پژوهشی را گذاشتند که نه در زمانه‌ی خود قدر کافی دید و نه اکنون. ما در چهار دهه، امیدواریم این کتاب زمینه‌ای فراهم کند تا نقش پژوهش‌های تجربی در شناخت دورنماها و روندهای آینده روشن‌تر شود.

عباس عیدی — محسن گودرزی

مقدمه

آینده پژوهی؛ صدایی که شنیده نشد

ذهن ما درگیر واکند از پرسش‌ها و دغدغه‌هایی در باره آینده است، از قبیل این که وضع ما در آینده چه خواهد شد، روند سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به کجا می‌انجامد، و برای آینده چه باید کرد. دلیل آن را نیز باید در خصلت کسب‌انسانی جست و جو کرد. رفتارهای انسان معطوف به آینده است یعنی هدفی را در آینده جست‌وجو می‌کند. دانش‌آموز یا دانشجو برای تحقق هدفی در آینده مثل کسب شغل یا اعتبار درس می‌خواند و سیاست‌مداران معمولاً نگاهی به انتخابات آینده دارند. هر چه آینده به گذشته شباهت بیشتری داشته باشد، چنین به‌شایدی موضوعیت خود را از دست می‌دهند. شتاب تغییرات و افزایش تعداد کنشگران جمعی و فردی از جمله عواملی است که فاصله‌ی بین آینده و گذشته را افزایش می‌دهد. این پرسش وقتی جدی‌تر می‌شود که خوش‌بینی خود را نسبت به آینده از دست بدهیم و احتمال دهیم که آینده چیزی متفاوت و دایر از وضعیت موجود باشد.

بخش بزرگی از زندگی ما در جامعه جدید تحت الزام «آینده‌نگری» است یعنی افراد باید برای آینده برنامه داشته باشند. در غیر این صورت با فشار اجتماعی روبرو می‌شوند. اگر جوانی به آینده خود بی‌اعتنا باشد با سرزنش اطرافیان مواجه می‌شود. کشوری که برای آیند، طرح و آرمانی نداشته باشد، قادر نیست موقعیت خود را در جهان ارتقاء دهد و یا حتی موقعیت فعلی خود را حفظ کند. مسابقه‌ی بزرگ و بلاوقته‌ای برای شکل دادن آینده در جریان است.

همه ما می‌خواهیم آینده‌ی خود را در دست داشته باشیم و آن را به گونه‌ای که دوست داریم بسازیم. هر فرد و جامعه‌ای مایل است آینده‌اش را بر اساس ارزش‌های خود بسازد و در ساختن آینده‌اش نقش اصلی یا حداقل نقش مهمی داشته باشد. بدون تصویری از آینده نمی‌توان آینده را کنترل کرد و بر روی آن اثر گذاشت. برای نمونه گرایش شدید داوطلبان کنکور به رشته پزشکی بر این فرض مبتنی است که این رشته در آینده هم چون امروز، بازار کار مناسبی دارد و امکان کسب درآمد بالا را فراهم می‌کند. اگر داوطلبان تصور کنند این رشته به اصطلاح رایج «آینده‌ای» ندارد، رفته رفته

گرایش‌شان به آن کاهش می‌یابد. پس داوطلبان، تصویری از «شکل آینده» در ذهن دارند و بر اساس آن، رفتار خود را تنظیم می‌کنند. به همین دلیل است که افراد و جوامع، علاقه و نیاز دارند بدانند آینده چه شکلی است و چه پیش خواهد آمد.

مردم برای سؤال خود در باره آینده، پاسخی می‌خواهند خواه از راه‌های علمی باشد و خواه از راه‌هایی مثل فال‌بینی و پیشگویی. این نیازی غیرطبیعی نیست و بیش از هر چیز سیاست‌گذاران به آن نیاز دارند. از همین روست که «آینده‌پژوهی» و مطالعات روندهای اجتماعی، علمی، اقتصادی و... گرایشی مهم در مطالعات علوم اجتماعی است. در جهان، مطالعه روند تحولات امری رایج است و اغلب حوزه‌های تخصصی به آن می‌پردازند. از شناخته‌شده‌ترین این نوع مطالعات می‌توان به مطالعاتی که مجمع جهانی اقتصاد (World Economic Forum) انجام می‌دهد اشاره کرد. نشست سالانه داورس که به ابتکار این مجمع برگزار می‌شود، موضوع آینده جهان را در سال‌های پیش رو مورد بحث قرار می‌دهد. چنین مباحثی متکی به مطالعات متعددی در باره‌ی وضعیت جهان و چالش‌های آن است. از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان از مطالعه «چالش‌های جهانی» و «مخاطرات جهانی» نام برد. این نوع مطالعات با استفاده از کارشناسان و مدیران و سایر کنشگرانی که در شکل‌دهی به تغییرات آینده موثرند، انجام می‌شوند. در کنار آن، نظرات مردم در کشورهای مختلف جهان از سریق پیمایش، مطالعه می‌شود. اهمیت چنین مطالعاتی بیش از هر چیز در آن است که به تصور از آینده شکل می‌دهد.

در ایران، مطالعات آینده‌نگری بر اساس روش‌های علمی رشد چندانی نداشته است. معمول است پرسش‌هایی در باره آینده را با ارجاع به گزاره‌های ایدئولوژیک و یا آرزوها و آرمان‌ها پاسخ دهند. ولی پیچیدگی روزافزون و رقابت نفس‌گیر میان کشورهای جهان، مجال را برای چنین رویکردهایی تنگ کرده است و راه را برای مطالعات آینده‌نگری باز می‌کند. در ایران نیز مدتی است چنین مطالعاتی - بیشتر در حوزه‌ی اقتصادی و فنی و گاه نیز در حوزه‌های اجتماعی توجه متخصصان و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است. پیشینه چنین مطالعاتی در ایران به سال‌های میانی دهه ۱۳۵۰ باز می‌گردد.

در سال‌های میانی دهه‌ی ۱۳۵۰ بود که گروهی از جامعه‌شناسان و متخصصان ارتباطی گرد هم آمدند و ایده انجام مطالعات آینده‌پژوهی را طرح کردند. مجید تهرانیان (۱۳۹۱-۱۳۱۶) و علی اسدی (۱۳۷۰-۱۳۱۴) افراد اصلی این گروه بودند و جامعه‌شناسان دیگری چون هرمز مهرداد، منوچهر محسنی، مهدی بهکیش و... آنان را در انجام چنین تحقیقی یاری کردند. ایده طرح «آینده‌نگری» را مجید تهرانیان با رضا قطبی رییس وقت رادیو و تلویزیون در میان نهاد و او نیز حمایت از چنین تحقیقی را پذیرفت. در همان زمان درآمدهای ایران به دنبال افزایش قیمت‌های جهانی نفت به نحو بی‌سابقه‌ای بالا رفت و این توهم را که ایران در آستانه تبدیل به قدرتی جهانی است، دامن زد. رشد اقتصادی ناشی از درآمدهای نفتی، ترکیبی دوگانه از خوش‌بینی و نگرانی نسبت

به آینده را ایجاد کرد. مطالعه آینده‌نگری در این فضای روانی و اجتماعی شکل گرفت.

مجید تهرانیان و علی اسدی در پی مطالعه جامعه ایران با استفاده از روش‌های تجربی در علوم اجتماعی بودند. آنان می‌خواستند روش‌های تجربی را که در آن ایام در علوم اجتماعی جهان رو به رشد بود، برای مطالعه جامعه ایران و روندهای آینده آن به کار گیرند. همزمان رادیو و تلویزیون به عنوان رسانه‌های جدید - در کشورهای مختلف جهان از جمله در ایران - به سرعت در حال رشد بود و روز به روز بر نفوذ و عمومیت آن افزوده می‌شد. سیمای زندگی بشر تغییر یافته بود و چشم‌اندازهای وسیعی در برابر خود می‌دید. دنیای ارتباطات، سطح اطلاعات و شناخت افراد را افزایش داده و عامل تازه‌ای به عنوان منبع جدید قدرت ظهور کرده بود. در جامعه ایران نیز کم و بیش همین وضعیت برقرار بود. وجوه مختلف جامعه در معرض دگرگونی‌های بنیادین قرار گرفته بود. رسانه‌های جدید به دنیای اجتماعی انسان ایرانی راه یافته بودند و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، جامعه روستایی و مبنی بر اقتصاد کشاورزی را به جامعه‌ای شهری و متکی بر درآمدهای نفتی و اقتصاد صنعتی سوق می‌داد. روشن است چنین تحولی برای جامعه‌شناسان و متخصصان ارتباطی از جذابیت‌های بی‌پایان مطالعه برخوردار است.

پرسشی که از چنین محیط متغییری می‌خواست این بود که جامعه چقدر توان تحمل تغییراتی تا این حد وسیع را دارد و این تغییرات، چه میزان با همراهی توده‌ها و نخبگان توأم است؟ آیا چنین تغییراتی به صورت متوازن پیش می‌روند یا بخش‌هایی از جامعه با سرعت بیشتری متحول می‌شوند و بخش‌های دیگر در برابر چنین تغییراتی مقاومت می‌کنند؟ و اگر چنین است آیا هزینه‌ها و دشواری‌های ناشی از نامتوازن بودن تغییرات می‌تواند روند کلی را مختل کند؟ رادیو و تلویزیون چگونه می‌تواند به فرایند توسعه کشور کمک کند؟ این نوع پرسش‌ها هم از جانب سیاست‌گذاران و مدیران و هم از جانب پژوهشگران، پرسشی جدی بود و به این ترتیب دستور کار معینی برای طرح «آینده‌نگری» شکل گرفت.

کتابی که در دست دارید، گزارش یافته‌های پژوهشی است که در - درجه - طرح «آینده‌نگری» انجام شده است و حاوی اطلاعاتی است که می‌توانست به چنین پرسش‌هایی پاسخ دهد. برای ما که امروز چنین گزارشی را می‌خوانیم، مسأله از بعدی دیگر هم جذابیت دارد. چه شد که در سال ۱۳۵۷ در ایران انقلاب روی داد؟ مردم ایران در سال‌های پیش از انقلاب چگونه زندگی می‌کردند، جهان خود را چگونه می‌دیدند و اتفاقاتی مثل تغییرات اقتصادی را چگونه تفسیر می‌کردند؟ زندگی مردم در سال‌های پیش از انقلاب چگونه بود و به جست و جوی کدام رویا بودند که بر نظم پیشین شوریدند و آن‌را دگرگون کردند؟ چگونه رشد سریع اقتصادی، انتظارات پیشرفت فردی را دامن زد در حالی که به نظر می‌رسد همه‌ی گروه‌های جامعه توان تحمل پیامدهای فرهنگی و اجتماعی ناشی از چنین تغییراتی را به یکسان نداشتند؟ پرسش در باره وقوع پدیده‌هایی مثل انقلاب یا جنگ که دامنه اثرگذاری آن از نسل‌های درگیر انقلاب فراتر می‌رود و نسل‌های آینده را هم

در بر می‌گیرد، همواره تازگی خود را در علوم اجتماعی حفظ می‌کند. همین پرسش‌هاست که کماکان اهمیت و ارزش‌های مجموعه‌ی تحقیقات «آینده‌نگری» را با وجود گذشت چهار دهه از زمان انجام آن، حفظ کرده است.

در سال‌های میانی ۱۳۵۰، دو وجه متعارض در جامعه ایران به چشم می‌خورد. چهره ظاهری در آن زمان، از جامعه‌ای در حال رشد و با ثبات خبر می‌داد. گویی اکثریت جامعه از شتاب و جهت تغییرات رضایت دارند و همه در تلاشند تا جای خود را چنین جامعه‌ای ارتقاء دهند. در آن روزگار کمتر کسی بود که تصویری از سرنوشتی نظام سیاسی در سال ۱۳۵۷ داشته باشد. رشد جمعیت شهری، تغییر زندگی روستاییان، شکل‌گیری طبقه متوسط اقتصادی، رشد صنعتی همگی نشانه‌هایی از خوش‌بینی به تحولات اجتماعی را در خود داشت. در کنار آن، شکست نیروهای سیاسی مخالف حکومت، تثبیت قدرت سیاسی رژیم شاه در داخل و در منطقه این تصور را برای حکومت و کشورهای غربی ایجاد کرد که ایران «جزیره ثبات» است. با این حال، در همان سال‌ها، پدیده‌هایی درون جامعه ایران در ظرف تکوین بود که سرنوشت دیگری را برای جامعه ایران رقم می‌زد. وجهی که از دیدها پنهان ماند بود، پدیده‌های فرساینده قدرت حکومت در حال شکل بستن بود ولی شکوه و قدرت ظاهری کمتر مجاز برای دیدن آن می‌گذاشت. این تناقضی بود که از دید کسانی که در جامعه آن روز زندگی می‌کردند پنهان مانده بود یا چندان به چشم نمی‌آمد. پژوهش‌های «آینده‌نگری» از نادر پژوهش‌هایی است که چنین تناقضی را نمایش می‌دهد، بر خلاف خوش‌بینی‌های رایج زمان، این تحقیق نشان می‌دهد که تلاطمات ناشی از توسعه نامتوازن را آشکار ساخت. با این حال، این سؤال پیش می‌آید که محققان تا چه حد قادر به تفسیر یافته‌های به دست آمده از این تحقیق در چارچوبی واقع‌بینانه بودند. به نظر می‌رسد فضای رسمی، سرمست از تسلط و قدرت خود، امکان دیدن واقعیت متناقض ناشی از رشد اقتصادی را نداشت. نبود آزادی بیان، جلوی اعتراض صدهای مخالف را گرفته ولی آن را خاموش نکرده بود. آزادی همه را از حکومت گرفته تا نخبگان و مردم عادی به توهم مبتلا کرده بود. امروز که از آن زمان فاصله گرفته‌ایم به روشنی می‌توان دید چگونه حکومت خود فریفته پیام‌های دستگاه‌های تبلیغاتی خود شد. این نوع نگرش‌های تبلیغی به طور معمول دوست دارد از تحقیق، پیام تبلیغی بشناسد و هر آنچه را که با تصور خود مخالف بباید، به عنوان پژوهش‌هایی غیر واقعی معرفی کند که خصلت متمایز ایرانی را نشان نمی‌دهد، یا روش‌های غیر متناسب با جامعه‌ی ایران به کار می‌گیرد. با این حال، واقعیت نه به انتظار پژوهش می‌ماند و نه به انتظار مخالفان تحقیق. این گزارش نشان می‌دهد که جامعه تا چه حد به انجام چنین پژوهش‌هایی نیازمند است و از آن مهم‌تر این که تا چه حد به وجود تحلیل‌گرانی آزاد نیازمند است که فارغ از ترس به تحلیل این مطالعات بپردازند.

مجید تهرانیان در تدوین ایده اصلی تحقیق، مساله را در این می‌دید که رشد شتابان و نامتوازن، جامعه را از وضعیت سنتی خود که متکی بر اقتصاد کشاورزی بود به سوی جامعه‌ای با اقتصاد

صنعتی تغییر می‌داد. سرعت تغییرات چنان زیاد بود که بخش وسیعی از مردم و نخبگان نمی‌توانستند با محیط تازه و ارزش‌های پدیدار شده هم‌دلی کنند. آنان از محیط مألوف خود کنده شده بودند و به آرزوهای تازه‌ی رشد و رفاه اقتصادی، تحرک اجتماعی و زندگی در محیطی تازه فکر می‌کردند. این تغییر در همه ابعاد به یک اندازه روی نداده بود. گذار، بنیان اجتماعی روان ایرانی را متحول کرده بود و به تعبیر تهرانیان، توده‌ها آمادگی مواجهه با چنین وضعیتی را نداشتند. آنان نه می‌توانستند به گذشته بازگردند و نه در آینده جایی امن برای خود می‌دیدند. تهرانیان مفهوم «اکنون‌زدگی» را برای توصیف این وضعیت روانی اجتماعی به کار گرفت. علی‌اسدی در تحقیقات تجربی خود، این بنیان روانی اجتماعی را در نسبت با رسانه تحلیل کرد و نشان داد که چگونه در بین توده‌ها و حتی نخبگان، میل بازگشت به گذشته و به ویژه پناه بردن به مذهب در حال رشد است. مذهب از دید نخبگان و جوانان آن زمان، فضایی است که می‌توان ارزش‌های مادی زندگی مثل رفاه و آسایش را با ارزش‌های معنوی پیوند زد. آرزویی که در بازگشت به هویت دینی نفوذی فراگیر در بین نخبگان داشت. بخش‌ها، از نخبگان و طبقه متوسط که با رشد اقتصادی‌بالیده بودند و انتظار می‌رفت پایگاه اجتماعی اصلی حکومت باشند، به چنین ارزش‌هایی بیشتر بها می‌دادند تا ارزش‌های جدید و «مدرن». «رایج این تئوريات نشان می‌داد که ارزش‌های مورد نظر حکومت وقت حتی در بین گروهی که پایگاه آن محسوب می‌شد، عمومیت نداشت.

امروز که به این پژوهش بازمی‌گردیم، می‌تایم آن را با نگاهی دیگر بخوانیم. مفاهیم و ایده‌هایی مثل «اکنون‌زدگی»، «رشد نامتوازن» و «عدم آمادگی» را برای پذیرش تغییرات شتابان» و «بازگشت به خویش» را برای ساختن چارچوبی مفهومی کار می‌گیریم تا یافته‌ها را با اتکاء به آن، تفسیر کنیم. روشن است که ما در مقایسه با پژوهشگران، در مبحث متفاوت قرار داریم؛ تحقیقات مختلفی در طول زمان درباره‌ی آن دوران انجام شده است و ما به تراز آن که تجربه‌ی پدیده‌ی بزرگ «انقلاب» را از سر گذرانده‌ایم. در نتیجه برای تحلیل یافته‌ها در همان «آینده»‌ای قرار داریم که پژوهشگران می‌خواستند آن را پیش‌بینی کنند. ما به دلیل موقعیت تاریخی، «آینده»‌ای را تحلیل می‌کنیم که برای ما «زمان حال» و حتی «گذشته» است. از این رو تفسیر ما از یافته‌ها، به دلیل همین موقعیت تاریخی احتمالاً متفاوت با تفسیر پژوهشگران است.

اهمیت تحقیق «آینده‌نگری» تنها در ارائه شواهدی از زوایای پنهان مانده‌ی زندگی، نگرش‌ها و احساسات مردم نسبت به تغییرات جامعه نبود، بلکه محققان از یک سو مفاهیم تازه‌ای برای شناخت جامعه‌ی ایران پیش نهادند و از سوی دیگر، برای برخی مفاهیم مطرح در فضای روشنفکری مثل «بازگشت به خویش» پایه‌های تجربی فراهم ساختند. از این زاویه، این تحقیق نمونه‌ای درخور اعتنا از پژوهش‌های تجربی است که با «مفهوم‌پردازی»‌های نوآورانه به فهم نظری جامعه ایران کمک می‌کند. پژوهش «آینده‌نگری» هم شواهدی آماری برای واقعیات اجتماعی فراهم ساخت

و هم درکی نظری از آن ارائه کرد و به این ترتیب، از دو گروه از پژوهش‌های آماری و نظروزی‌های غیر تجربی متمایز شد. چنین ترکیبی، جایگاه این پژوهش را در پژوهش‌های اجتماعی، یکه و مهم ساخته است. به همین دلیل، شناخت خصیصه‌های این پژوهش برای سیاست‌گذاری پژوهشی اهمیت بسیار دارد. این شناخت برای طراحی و اجرای پروژه‌های پژوهشی راهنمای مناسبی است:

۱. پرسش تحقیق «آینده‌نگری» برخاسته از مشکلی است که در فرایند تغییرات سریع و رشد رسانه‌ها پدید آمده است. این پرسش تنها برای فرونشاندن کنجکاوی‌های فردی یا گروهی نیست بلکه هدف اصلی آن پرداختن به مشکلات توسعه کشور و برقراری توازن میان وجوه مختلف تغییرات فراگیر است. هدف آینده‌نگری، توصیف و تبیین وضعیت موجود و پیش‌بینی آینده‌های محتمل است تا بتوان جامعه و دولت را در مواجهه با وضعیت‌های محتمل، افزایش دهد.

۲. طرح دیگر، تحقیق «آینده‌نگری»، جامعه را به مثابه یک کل مورد مطالعه قرار داده است. با آن که مطالعه صورت تخصصی بر بخش‌های رسانه‌ای یا گرایش‌های اجتماعی و فرهنگی تکیه کرده است، ولی هدف آن شناخت جامعه به منزله یک کل واحد است. از همین رو، مفهوم‌پردازی‌های اجتماعی توجه جامعه کل است و مطالعه تنها به حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای محدود نشده بلکه وجوهی چون اقتصاد و سیاست را هم در بر گرفته است.

۳. خصوصیت دیگر، وجه مجموعه‌ای بودن و تداوم زمانی تحقیق است. طرح «آینده‌نگری» یک پروژه تحقیق نیست بلکه مجموعه‌ای از تحقیقات اعم از پیمایش‌های عمومی، نظرخواهی از خبرگان، مباحث مفهومی و نظری و حل گفتگوهای جمعی است. در عین حال، بنا بود این تحقیق در مقاطع زمانی مختلف انجام شود و در طول زمان استمرار یابد تا امکان شناخت تغییرات و روندهای آن در طول زمان وجود داشته باشد.

۴. مسئله‌شناسی تحقیق نه بر اساس تعریف مشکلات مشخص و معین انجام شده است و نه چنان وجه انتزاعی یافته است که پیوند روشنی با مشکلات نداشته باشد. مسئله تحقیق، یافتن پاسخی برای مشکلات توسعه نامتوازن کشور و پیامدهای ناشی از آن است. این نوع تحقیقات در هدف‌گذاری خود به دنبال بسط شناخت تجربی و نظری از مسائلی است که جامعه در جریان تغییرات اقتصادی اجتماعی با آن درگیر است. به ویژه چنین تحقیقاتی در پی آن بود که افق دید سیاست‌گذاران و مدیران جامعه را از جریان توسعه گسترش دهد تا از درگیر شدن در مشکلات روزمره پرهیز کنند و افق دورتر را ببینند و در عین حال، چنان از دستاوردهای فوری ذوق‌زده نشوند که چشم بر پیامدهای منفی ببندند. هر چند چنان که خواهیم گفت چنین نگاهی را برناتفتند و نتایج تحقیق را نادیده گرفتند و به آرزوهای خود بهای بیشتری دادند تا واقعیتی که بر اساس تحقیقات بیان شده بود.

۵. ویژگی دیگر این تحقیق چنان که گفته شد طرح مفاهیمی تازه برای درک وضعیت ایران در آن زمان است مفاهیمی که شاید امروز برای ما عادی بنماید ولی در آن زمان در نوع خود بدیع و

نوآورانه بود. این طرح مفهومی مبنایی برای تولید اطلاعات تجربی از جامعه ایران بود. یکی از خصوصیات که در نوشته‌ها و آثار محققان اصلی طرح «آینده‌نگری» مشاهده می‌شود، دور ماندن از داوری‌های ارزشی و پرهیز از سوگیری است. آنان در مقام پژوهشگر واقعیت را بر اساس آرزوها و ترجیحات‌شان تحلیل نکردند. از این رو، توانستند خود را از موج تبلیغاتی و هوادارانه دور نگه دارند و به منطق علمی خود پایبند بمانند.

امروز با توجه به روشن شدن بسیاری از وجوه زندگی روزمره جامعه‌ی آن زمان و هم به دلیل رشد علوم اجتماعی، می‌توان نقدهایی را متوجه این تحقیق ساخت. جای شگفتی ندارد، چرا که کار آنان نخستین مورد از پیمایش‌های عمومی در ایران است. و البته کدام کار است که از چنین نقدی در امان باشد؟ با این حال، نمی‌توان ارزش‌های یگانه‌ی این کار را نادیده گرفت. این تحقیق تا آنجا که ما می‌دانیم، تنها اطلاعات تجربی فراگیر از ایران دهه ۱۳۵۰ و بطور کلی پیش از انقلاب است و از این نظر منحصر به فرد است. ^{۱۰} فانه این تحقیق، چنان که باید مورد توجه قرار نگیرد. حتی در محافل علوم اجتماعی شناختن دقیق اثرات این جامعه‌شناسان وجود ندارد.

برای ما که امروز گزارش‌های «آینده‌نگری» را می‌خوانیم، این سؤال به ذهن می‌رسد که مسئولان و حامیان نظام سیاسی وقت به چند تحقیق چگونه واکنش نشان دادند؟ در اردیبهشت سال ۱۳۵۴ همایش با عنوان «طرح آینده‌نگری» با شرکت گروهی از صاحب‌نظران ارتباطات در شیراز برگزار شد. مجید تهرانی در «دانشی، فضای همایش را چنین ترسیم می‌کند:

همایش شیراز، طرح «آینده‌نگری» که هفتی از صبحگاهان تا شامگاهان در اردیبهشت سال ۲۵۳۴ شاهنشاهی [سال ۱۳۵۴ ه. ش] به در پاید، به گواهی شرکت‌کنندگان، از فرصت‌های پرباری بود که در نشست‌های پیش از آنرو می از صاحب‌نظران مسائل ارتباطی کشور (از خارج و داخل رادیو و تلویزیون می این) به دور یکدیگر نشستند و صمیمانه و بی‌پروا آنچه از خوب و بد به دل داشتند، گفت و بوی آن‌ها می‌شنیدی که در پیش داریم، چاره‌جویی کردند. از آنجا که بازسازی فضای صمیمی چنین همایشی برای بار دیگر کار آسانی نیست، حیف بود که این سند تاریخی در سینه‌ها مانده به دست دوستداران پیشرفت فرهنگی ایران، که شرط نخستین شکوفایی اندیشه‌ها را در برخورد های آزاد و صمیمی و رو در رو می‌دانند، نرسد.

در این همایش، برخی یافته‌های پژوهشی به دست آمده از تحقیقات آینده‌نگری ارائه شد. گزارش مباحث ارائه شده در همایش در کتابی با عنوان «پرامون ساخت و نقش رسانه‌ها؛ همایش شیراز» با ویرایش جمشید اکرمی در سال ۱۳۵۶ از سوی انتشارات سروش به چاپ رسید. در اینجا برخی نظرات را به نقل از این کتاب می‌آوریم.